

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای، خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

اجرای طرح مهرورزان آسمانی در خانه سالمندان شهرستان مهریز

طرح مهرورزان آسمانی با حضور جمعی از اعضای جوانان و داوطلبان هلال احمر مهریز در خانه سالمندان این شهرستان اجرا شد. سرپرست جمعیت هلال احمر شهرستان مهریز گفت: «در این طرح اعضای جوانان و داوطلبان هلال احمر با حضور در خانه سالمندان شهرستان مهریز با آنها دیدار کردند.» وی با اشاره به این که این طرح با مشارکت حداکثری جوانان و داوطلبان انجام شد، افزود: «هدف از اجرای این طرح برقراری روابط عاطفی با سالمندان و خدمات مشاوره‌ای به آنها بود.» فخری افزود: «طرح مهرورزان آسمانی با استقبال گسترده از سوی داوطلبان روبه‌رو شد و به همین دلیل روند اجرایی آن در طول سال و به مناسبت‌های مختلف همچنان ادامه خواهد داشت.» سرپرست جمعیت هلال احمر شهرستان مهریز کارکردهای طرح مهرورزان آسمانی را «ترویج فرهنگ خدمت‌رسانی»، «آشنایی اعضا و داوطلبان با خدمت‌رسانی کاربردی و دلجویی نیازمندان»، «سازماندهی اعضا و داوطلبان فعال جهت تشکیل تیم‌های خدمت‌رسانی تخصصی» و «هدف‌گذاری و شناخت محیط‌ها و افراد نیازمند به تحت پوشش قرار گرفتن با توجه به موقعیت و نیاز» اعلام کرد.

سریع و فداکار

رانندگان هلال احمر از لحظات پر التهاب رسیدن به صحنه حادثه در سیل گلستان می‌گویند

تمام هم و غم‌شان این است که امدادگران را در زمان طلایی نجات به صحنه حادثه برسانند. وقتی پشت فرمان می‌نشینند کوهی از مسئولیت روی شانه‌های آنهاست. تمام حواس‌شان به مسیر پیش‌رو است تا خطری امدادگران را تهدید نکند و تجهیزات امدادی داخل خودرو هم سالم به مقصد برسد. اگرچه شاید نقش راننده نجاتگران هلال احمر در موفقیت عملیات‌ها چندان به چشم نیاید اما در حقیقت عملیاتی موفق نخواهد بود مگر اینکه آنها نقش‌شان را به درستی ایفا کنند. در حادثه سیل اخیر استان گلستان هم رانندگان خودروهای هلال احمر مسئولیت‌های خطیری در رساندن بسته‌های امدادی و مواد غذایی به سیل‌زدگان داشتند. آنها در جاده‌هایی که امکان تردد خودروهای معمولی وجود نداشت، امدادگران را به مقصد می‌رساندند و گاهی هم خودروی هلال با قلب مهربان و دلسوز آنها می‌شد پیک شادی خانواده‌های سیل‌زده. در ادامه با نجاتگران گلستانی که در سیل اخیر نقش مؤثری در رساندن اقلام امدادی و عملیات‌های نجات داشتند گفت‌وگو کرده‌ایم.

نجات‌زوج گرفتار در دل سیلاب

نجاتگر راننده پایگاه امداد و نجات بین شهری جنگل گلستان، در ماجرای سیل این استان هم حضوری فعال داشت. محمود رضا موحدنژاد، وزه‌های پرتلاش امداد رسانی به سیل‌زدگان را در آق قلا و کمیشان به امداد رسانی سپری کرد و علاوه بر سرپرستی تیم تخلیه آب از خانه‌ها، به‌عنوان راننده نیز در موفقیت عملیات‌های بسیاری نقش داشت. موحدنژاد از ماجرای نجات خانواده‌ای می‌گوید که در دل سیلاب گرفتار شده بودند: «آب بسیاری از مناطق کمیشان را در خود فرو برده بود و من و دیگر امدادگران مشغول تخلیه آب از منازل اهالی بودیم. آن روز خبر رسید، خودرویی در جاده یساقی به بندر ترکمن گرفتار سیلاب شده. مسیری که بخش‌های زیادی از آن در آب فرو رفته بود و تردد خودروهای معمولی از آن امکان‌پذیر نبود. با رسیدن این خبر، ادامه کار تخلیه آب از منازل را به دیگر امدادگران واگذار کردیم و با توجه به اهمیت عملیات، بلافاصله همراه با یک تیم سیلاب‌مستقر در کمیشان مسیر جاده یساقی به بندر ترکمن را در پیش گرفتیم. باید هرچه سریع‌تر به خودروی گرفتار در جاده می‌رسیدیم. یک زوج جوان در داخل خودرو و در محاصره سیل قرار داشتند و هر لحظه سطح آب بالاتر می‌آمد. همزمان با تیم ما تیم امداد و نجات ساحلی بندر ترکمن نیز راهی منطقه شدند. اگرچه آب شدت زیادی نداشت، اما آن زوج گرفتار در خودرو و بالا آمدن سطح آب وحشت کرده بودند و از طرفی هر لحظه امکان داشت آب جدید وارد منطقه شود.» موحدنژاد از چالش‌های پیش‌رویش برای رساندن تیم امدادی به زوج گرفتار در دل سیلاب می‌گوید: «ترافیک در مسیرهای خروجی شهر اضطراب‌رسان بود. رسیدن به آن زوج را بیشتر کرده بود. با این وجود خیلی زود تیم امدادی را به محل مورد نظر رساندم. اما مشکل دیگری وجود داشت. خودروی آنها در محلی قرار گرفته بود که حتی خودروی پیکاپ ما هم به دلیل بالا آمدن سطح آب نمی‌توانست به آن نقطه نزدیک شود. ناگهان نگاهم به مسیر مال‌رویی افتاد که کشاورزان و دامداران برای تردد احشام و ماشین‌الات کشاورزی از آن استفاده می‌کردند. با در نظر گرفتن همه عوامل از آسیب‌ترسیدن به تجهیزات و نیز خودروی امدادی، با احتیاط کامل وارد مسیر شدم. تاجایی که امکان داشت خودرو را به نقطه مورد نظر نزدیک کردم و همراه با تیم سیلاب و نیز تیم پایگاه ساحلی بندر ترکمن سراغ زوج گرفتار در سیلاب رفتیم. کمی بعد وقتی خودروهای آنها را به منطقه امن منتقل کردیم، آن زوج جوان که هنوز نشانه‌های وحشت از گرفتار شدن در میان سیلاب در چهره‌شان پیدا بود از اینکه خیلی زود به آنها رسیدیم از همه‌گروه قدر دانی کردند.»



ماموریت رساندن برج نوری به سیل‌بند

تا‌زها ز مأموریت امداد رسانی به افراد گرفتار در برف و کولاک در منطقه خوش‌بیلاق برگشته بود که خبر رسید سیل ساکنان آق قلا، کمیشان و روستاهای اطراف آن را غافلگیر کرده است. ابراهیم قاراچشمه که سابقه امدادگری در چند پایگاه امدادی استان را هم در کارنامه دارد و اکنون عضو تیم واکنش سریع استان است، جزو نخستین امدادگرانی بود که در مناطق سیل زده حاضر شد. قاراچشمه که آن روزها به‌عنوان نجاتگر راننده در آق قلا و کمیشان شانه‌به‌شانه دیگر امدادگران به سیلاب زده بود خاطرهای از یک شب پر التهاب برپایان تعریف می‌کند. ماجرای که نقش رانندگان کار کشته و دلسوز هلالی را در موفقیت مأموریت‌ها و عملیات‌های امداد و نجات نشان می‌دهد: «۲۹ اسفند وقتی سیل از راه رسید و آق قلا و برخی مناطق روستایی را به زیر آب برد، راهی منطقه شدم. من و دیگر رانندگان هلال، آب و مواد غذایی را بار خودروهای شاسی‌بلند و کمک‌دار می‌کردیم و در مناطقی که امکان تردد خودروهای معمولی وجود نداشت، نیروهای امدادی و مواد غذایی را به‌قاب‌های می‌رساندیم تا به دست افراد گرفتار در سیل برسد. سیل گلستان شرایط ویژه‌ای داشت، آب آرام آرام شهر را به زیر آب می‌برد و مردم شانه‌به‌شانه نیروهای امدادی و نظامی با ساخت آب‌بند از ورود آب به شهر جلوگیری می‌کردند. ساعت ۲ بامداد بود که خبر دادند یکی از مهم‌ترین آب‌بندهایی که در روستای سقر بلقی توسط مردم و نیروهای امداد و نظامی ساخته شده دیگر تاب مقاومت در برابر فشار آب را ندارد. اگر آب‌بند تخریب می‌شد، نتیجه همه زحمات و تلاش‌هایی که در چند روز گذشته برای جلوگیری از بالا آمدن سطح آب در روستا و شهر انجام شده بود بر باد می‌رفت.» قاراچشمه مکشی می‌کند و ادامه می‌دهد: «باید هرچه سریع‌تر آب‌بند تعمیر می‌شد. اما با توجه به تاریکی هوا برای تعمیر آن نیاز به برج نوری داشتیم. مأموریت من رساندن برج نوری به آب‌بند و محدوددهای بود که نیروهای مردمی و امدادی برای تعمیر آب‌بند تجمع کرده بودند. برج نوری را بار عایت تمام نکات اصولی پشت یکی از خودروهای کمک‌دار مهار کردیم و همراه با ۳ امدادگر مسیر آب‌بند را در پیش گرفتیم. هر لحظه سطح آب پشت آب‌بند بالاتر می‌آمد و ثانیه‌ها اهمیت بیشتری پیدایم کرد. به دلیل تاریکی مسیر و احتمال برخورد خودروی دیگری از پشت سر با خودروی ما، یک راننده دیگر با خودروی آمبولانس پشت خودروی ما به راه افتاد تا برج نوری سالم به مقصد برسد. کمی جلوتر جاده به زیر آب رفته بود و گُل و لای به جامانده در مسیر مسئولیت رساندن برج نوری را سنگین‌تر می‌کرد. زمان داشتیم امانی می‌شد سریع حرکت کنیم. هم احتمال ریزش لامپ‌های برج نوری و خرابی آن وجود داشت و هم تکان‌های زیاد به تجهیزات آسیب می‌زد. با این وجود ۲۰ دقیقه بعد به محل سیل‌بند رسیدیم. برج نوری را جایگزین لامپ‌های کم‌نوری کردیم. کمی بعد بار و شن شدن کل محدوده و با کمک مردم و نیروهای امدادی آب‌بند تعمیر شد و همه نفسی به راحتی کشیدیم.

خودروی هلال، مسئول توزیع غذای عروسی

هنوز خستگی امداد رسانی در سیل کاله از تنش خارج نشده بود که با وقوع سیل در آق قلا، به‌عنوان نجاتگر راننده برای کمک کردن به دیگر همکارانش داوطلب شد. محمد رضا نوری در مناطق سیل زده آق قلا، هم به‌عنوان راننده مسئولیت رساندن اقلام امدادی و جابه‌جایی نیروهای امدادی را بر عهده داشت و هم مسئولیت امداد رسانی آق قلا را به عهده گرفته بود. نوری از دیگر زحمات رانندگان هلال احمر در حادثه‌ای مثل سیل می‌گوید: «از دلسوزی‌ها و فداکاری‌هایی که اگرچه کمتر به چشم می‌آید اما در همان روزهای پر از غم و اندوه لیخنند را به لب خانواده‌های سیل زده آورده بود: «مسئولیت من به‌عنوان راننده و مسئول امداد، انتقال اقلام امدادی و بسته‌های غذایی از انبار به اردوگاه‌های اسکان سیل‌زدگان بود. یک‌روز که برای انتقال اقلام به منطقه کل آباد آق قلا رفته بودیم، اتفاق جالبی رخ داد. ساکنان خانه‌ای که هنوز طبقه اولش زیر آب بود، ما را خواستند برای برگزاری مراسم عروسی فرزندشان به آنها کمک کنیم. کل آباد آخرین منطقه شهر بود که از سیلاب تخلیه می‌شد و اهل خانه ما خواسته بودند برای جابه‌جایی چیزی به به آنها کمک کنیم. هنوز کل آباد زیر آب بود و تنها خودروهای کمک‌دار ما امکان تردد در کوچه‌ها و خیابان‌هایشان را داشت. برای همین من و دیگر راننده‌ها گاهی به کل آباد می‌رفتیم تا ساکنان این منطقه را برای دسترسی به مراکز درمانی و... به دیگر نقاط شهر برسانیم.» نوری مکشی می‌کند و ادامه می‌دهد: «روز اهدایی مردمی را هم بار ماشین کردیم و از آنجایی هنوز غرق در آب بود، با ماشین هلال احمر وارد و چیزی به را از پشت ماشین به داخل خانه کردیم. روز عروسی که فرا رسید، انگار همه همسایه‌ها غم و اندوهی که سیل با خود به شهر آورده بود را فراموش کردند. من و دیگر راننده‌ها مسئولیت رساندن غذای عروسی را از آشپزخانه‌ای خارج از شهر به عهده گرفتیم. با دیگرهای پر از غذا وارد محله شدیم. محله‌ای که هنوز بیشتر خیابان‌هایش زیر آب بود. خودروی کمک‌دار ما شده بود محل توزیع غذا میان مهمان‌های عروسی. از دیگ‌های پشت خودرو خانه به خانه جلو می‌رفتیم و برای مهمان‌ها غذا می‌کشیدیم.»

